

نوشته : ویلیام ار . پندرگاست ، استاد یار دانشگاه بوستون *
ترجمه : اسماعیل شاکری **

روابط فرهنگی فرانسه

مقدمه

اهمیتی را که دولت فرانسه برای توسعه فرهنگی قائل است ، از طریق بیانیه‌های رسمی و بودجه‌هایی که بدین امر اختصاص می‌دهد ، بوضوح می‌توان مشاهده کرد . برنامه پنجساله توسعه فرهنگی فرانسه که در سال ۱۹۶۴ آغاز شد ، روابط فرهنگی را بعنوان جزء لازمی از سیاست خارجی فرانسه باین عبارت ذکر کرده است :

"فعالیت فرهنگی با فعالیت سیاسی و اقتصادی ارتباط نزدیکی داشته ، به پیشبرد آنها کمک کرده و آنها را حمایت و تکمیل می‌کند . فعالیت‌های فرهنگی مستقیماً به توانایی کشور ما در سطح بین‌المللی کمک می‌کند ." (۱)

* William R. Pendergast استاد یار دانشگاه بوستون این مقاله را تحت عنوان French Cultural Relations در مجله "Chronique de Politique Etrangere, Volume XXVII-Numéro 3, Mai 1974" که از طرف Institut Royal des Relations Internationales منتشر می‌شود ، نگاشته است .

** محقق مرکز مطالعات عالی بین‌المللی

افزایش بودجه امور فرهنگی در فرانسه از سال ۱۹۵۸ تا کنون گفته فوق را تأیید می‌کند. (۲) در آن زمان بودجه اداره کل امور فرهنگی و فنی ۱۸۰ میلیون فرانک جدید بود. در سال ۱۹۶۸ این بودجه به ۸۹۴ میلیون فرانک جدید یا چهل و دو درصد بودجه وزارت امور خارجه رسید. (۳) چهارده جمهوری افریقائی و ماداگاسکار بطور جداگانه بوسیله وزارت خانه امور جمهوری‌های افریقائی و ماداگاسکار* اداره می‌شدند. اگر بودجه این وزارت خانه را به مقدار ذکر شده در فوق بیافزائیم، هزینه‌های مربوط به امور فرهنگی بیش از ۶۲ درصد بودجه وزارت خارجه فرانسه می‌گردد.

ثبات و اهمیت توسعه امور فرهنگی بعنوان یکی از برنامه‌های سیاست موجود فرانسه، بررسی‌ها و مقایسه‌هایی را با سیاست دیگر قدرتهای بزرگ در این زمینه ایجاب می‌کند. در این نوشته، عنوان‌هایی را که برای بررسی مطلب بکار می‌بریم عبارتند از: سابقه تاریخی و سازمان، اهداف، خصوصیات و تغییرات سیاست فرهنگی فرانسه در طول زمان.

بخش اول: سابقه تاریخی و سازمان

در آغاز قرن بیستم امور فرهنگی فرانسه با ایجاد مؤسسه‌های در وزارت امور خارجه فرانسه شروع شد. دفتر امور فرهنگی در سال ۱۹۱۱ تاسیس و در ۱۹۲۱ زیر نظر ژان - ژیرودو Jean Giraudoux به عنوان دبیر خانه امور فرهنگی توسعه و گسترش یافت. در خلال جنگ جهانی دوم، دولت ویشی از صحنه سیاست جهانی خارج شد. در ۱۹۴۵ (با خاتمه جنگ) اداره روابط فرهنگی مجدداً تشکیل و در سال ۱۹۵۶ بعنوان اداره کل امور فرهنگی و فنی سازمان یافت. (۴) با شروع برنامه توسعه پنج‌ساله امور فرهنگی ۱۹۶۲ - ۱۹۵۸ که بوسیله شورای وزیران در ۱۵ سپتامبر ۱۹۵۸ بتصویب رسید، توسعه فرهنگ و زبان فرانسه در چهارچوب یک برنامه کامل تنظیم شد. در سال ۱۹۵۹ مجمع مطالعه راههای آموزش و گسترش زبان فرانسه تاسیس شد. (۵) در ۳۱ مارس سال ۱۹۶۶ دولت فرانسه بموجب تصویب نامه‌ای، کمیته عالی حمایت و توسعه زبان فرانسه را ایجاد کرد. (۶) بعلاوه مؤسسات تحقیقی و تخصصی دیگری وجود دارند که سرگرم مطالعه در مورد اشاعه زبان و تکنیک‌های آموزشی فرانسه هستند.

سیاست روابط فرهنگی آمریکا و انگلیس بخاطر مقابله با تهاجم سیاسی و تبلیغاتی آلمان نازی بوجود آمد. شورای فرهنگی نیمه مستقل بریتانیا در ۱۹۳۴ بعنوان رکن عمده

* Secrétaire d'Etat des Républiques africaines et malgaches

روابط فرهنگی بریتانیا تاسیس یافت. واکنش آمریکا برای مقابله با نفوذ نازیها در آمریکا لاتین در سال ۱۹۳۵ با تاسیس بخش روابط فرهنگی در وزارت خارجه آمریکا شکل گرفت. (۷) دومین محرک آمریکا برای فعالیت در امور فرهنگی، پس از جنگ جهانی دوم در رقابت با اتحاد شوروی بوجود آمد. (۸)

این اصول جریان بعدی روابط فرهنگی آمریکا را تحت تاثیر قرار داد. جهت سیاست فرهنگی آمریکا بر اساس مقابله با بحرانها تنظیم شده و دو عامل منفی که عبارت از پراکندگی اداری و کمی بودجه باشد، بدان لطمه میزند. در گذشته بین سازمانهای دولتی و خصوصی آمریکا که به فعالیت در روابط فرهنگی اشتغال داشتهاند، همکاری کمتر متمرکزی وجود داشته است. در اواخر سال ۱۹۶۳ و بهنگام اوج رقابت روابط فرهنگی بین المللی فیلیپ کومبز Philip Coombs پذیرفت که: "هنوز تصویر روشن و جامعی از فعالیت ملی فرهنگی و ارزشهای آن وجود ندارد". (۹) این چنین طرز تلقی از امور فرهنگی، تهیه بودجه برای فعالیتهای فرهنگی را خدشه دار می کند. قوانین Fulbright, Smith-Mundt فعالیتهای فرهنگی را به "مازاد ارزهای خارجی" که بطور غیر-منظم در اختیار دولت آمریکا قرار گرفته و مبتنی بر قانون عمومی ۴۸۵ و بازپرداخت قرضه های زمان جنگ است وابسته می سازد. (۱۰) نتیجه این امر این است که فعالیتهای روابط فرهنگی آمریکا که مبتنی بر برنامه بازپرداخت قرضه های زمان جنگ کشورهای مدیون به آمریکا است با دورانهای متوالی رونق و کساد مواجه شده و بنا بر مقتضیات کشورهای بدهکار، متوجه مناطق جغرافیائی مختلف می گردد.

مبانی سیاست فرهنگی فرانسه تفاوت های بارزی با واکنش های دفاعی سیاست فرهنگی آمریکا و بریتانیا دارد. جهت فعالیت های این سیاست نموداری از برتری نسبی "فرهنگ والا"ی فرانسه است. استبداد سلطنتی و رقابت نجبا و تشویق فعالیت های هنری در زمینه های مختلف باعث شد که جامعه فرانسه قرون هفدهم و هجدهم، فرهنگ بلند پایه ای را که بر تعدد فعالیت های هنری و اتحاد نزدیک این فرهنگ با اعتبار ملی و سلطنتی فرانسه استوار بود، بوجود آورد. ارزش این منبع فرهنگی بعنوان عاملی از عظمت ملی، بخاطر محیط مساعدی بود که بوسیله سیاست جهان گرای فرهنگی طبقه حاکم فرانسه بوجود آمده بود. اختلاف در ساخت ارزش های ملی، منجر به تأکیده های متفاوتی در روابط فرهنگی می شود. مقبولیت امر توسعه فرهنگی نزد فرانسویان درست نقطه مقابل نگرش بدبینانه ایست

که ایشان نسبت به ادعاهائی که در مورد قدرت نظامی و گرفتاری‌های صنعتی و تعهدات بازرگانی می‌شود، از خود نشان می‌دهند. در حالیکه انگلستان از یک فرهنگ عالی بهره‌مند است، محدودیت‌های قانونی بر سلطنت موجب شد که فرهنگ انگلیس تطابق کمتری با عظمت ملی، آنچنان که در فرانسه وجود داشت، داشته باشد. قابل ذکرترین دستاوردهای فرهنگی جامعه آمریکا از یک طرف با نهادهای حکومتی و از طرف دیگر با پیشرفت‌های مادی جامعه مربوط بوده است. دولت‌ها معمولاً در روابط خارجی خود بر اختصاصات ویژه‌ای که دارند تأکید زیادی می‌کنند. همچنین دو دولت انگلوساکسون [آمریکا و انگلیس] در تاریخی سهم‌اندک‌وجه مشخصه آن کناره‌گیری از انترناسیونالیزمی است که خصوصیت بارز اروپای قاره‌ای را نشان می‌دهد.

کارآیی سیستم قانونی یک کشور، بر خط‌مشی ملی او نسبت به روابط فرهنگی اش تأثیر می‌گذارد. کشور یک یارچه و متمرکز، مزایائی را در اختیار دارد که می‌تواند سیستم آموزش ملی و شبکه ارتباطات را بطور مؤثری برای روابط فرهنگی خود تجهیز و بسیج نماید. معلمین فرانسوی‌ایکه در مؤسسات آموزشی فرانسه در خارج از کشور خدمت می‌کنند، از وضع مالی و مهارت حرفه‌ای بهتری برخوردارند. (۱۱) سیستم رادیو و تلویزیون ملی فرانسه و انگلیس یکی از منابع مورد استفاده، در روابط فرهنگی این دو کشور است، در صورتیکه در ایالات متحده چنین نیست. صدای آمریکا و رادیو تلویزیون آموزشی داخلی، در رقابت با رسانه‌ها [سایل ارتباط جمعی]ی تجاری در جهت جلب افرا دم تخصص دچار زیان می‌شوند. (۱۲) زیرا در جامعه‌ای که بخش خصوصی بر آن تسلط دارد، دشواری عمده تجهیز و هماهنگ کردن منابع، مانع ایجاد یک برنامه ملی و شایسته روابط فرهنگی می‌شود.

بالاخره، مجموعه خواسته‌های گروه‌هایی که به اجرای فعالیت‌های فرهنگی در خارج از کشور می‌پردازند، سیمای روابط فرهنگی یک کشور را شکل می‌دهد. میزان نفوذ سیاسی روشنفکران بر حکومت و هم چنین درجه علاقمندی کشورها به همکاری فرهنگی بین‌المللی، سیاست فرهنگی دولت‌ها را از یکدیگر متمایز و مشخص می‌گرداند. حکومت فرانسه در قرون متمادی، روشنفکران را به خدمت شاه و ملت فرا می‌خواند تا آنها را از مخالفت سیاسی با حکومت باز دارد. اعتبار [پرس تیژ] روشنفکران ادبی و تشکیلات سیاسی معلمین فرانسه، حکومت‌ها را همواره مجبور کرده است که رضایت خاطر مادی آنان را فراهم سازد. (۱۳) سنت‌های اروپائی مبتنی بر همکاری‌های روشنفکرانه و وسایل تحقیقی وسیعی که فرانسه در

اختیار دارد، انگیزه‌های دیگری برای روابط فرهنگی فرانسه هستند. بنابراین از زمان لوئی شانزدهم، توسعه فرهنگی اصلی پذیرفته شده در سیاست فرهنگی فرانسه است. تأکیدی نسبی که فرانسه بر روابط فرهنگی‌اش در هر زمان نسبت به سایر وسایل اعمال سیاست خارجی نائل بوده، به نحوه ترتیب (تقدم و تاخر) توانائی‌های ملی و موقع فرانسه در نظام بین‌المللی متکی است که پس از جنگ جهانی دوم بنحو چشمگیری گسترش یافته است.

بخش دوم: اهداف

بهره‌گیری از روابط فرهنگی در سیاست خارجی برخواسته‌های ملی و موقع بین‌المللی استوار است. (۱۴) پنج هدف سیاست فرهنگی، اجزاء ترکیب‌کننده برنامه فرهنگی فرانسه هستند.

۱- یکی از هدفهای فرانسه حفظ جانبداری سیاسی دولتهای دنباله‌روی خویش است، و روابط فرهنگی فرانسه این هدف را بطرق مختلف بدست می‌آورد. دوم، تأکید بر فرهنگ و زبان فرانسه علائقی را در جهت نزدیک شدن مردم بوجود آورده که پایه‌ای برای دست‌یافتن به سایر بخش‌هاست. سوم، روابط فرهنگی بر افکار عمومی کشورهای خارجی تأثیر می‌گذارد. چهارم، روابط فرهنگی ممکن است گروه‌های همفکر خارجی و انجمن‌هایی را جلب کند که بر تصمیم‌گیرندگان سیاسی کشور خود نفوذ دارند. بالاخره، روابط فرهنگی نوعی وابستگی به وسایل و افراد [پرسنل] را در میان کشورهای دریافت‌کننده کمک فرهنگی بوجود می‌آورد.

حداقل در مسأله زبان، دولت فرانسه به ایجاد جبهه‌ای از دولتهای فرانسه زبان نایل آمده است. حمایت این دولتهای فرانسه زبان وسیله‌ای برای تصویب قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل در ۱۹۶۷ مبتنی بر برابری استفاده از زبان فرانسه در آن سازمان بوده است. در یک مدرک رسمی دیگر، استفاده سیاسی از علائق و روابط فرهنگی به این شکل بیان شده است.

"لازم است وفاداری لائوس را نسبت به ما و پشتیبانی و حمایتی را که این کشور از ما به‌نگام بحث در مورد الجزایر در سازمان ملل کرده است، بر حضور فرهنگی ما حمل کرد." (۱۵)

تأکید زیاد بر نقش عمده یک عامل در روابط متقابل و پیچیده سیاست خارجی

قابل تردید است. معهذاً، دو امر، موجبات سیاست فرهنگی فرانسه را فراهم کرده است: یکی تصمیم به کاهش دادن ضایعات ناشی از استعمار زدائی از طریق جبهه گیری سیاسی و دیگری تحکیم روابط با سرزمین های دور دست فرانسه، که می بایست در جنگ جهانی دوم انجام می شد.

۲- در حوزه های که زبان و فرهنگ می توانند مشترکاً در جهت نزدیکی علائق مردم به یکدیگر گسترش یابند، حوزه روابط بازرگانی است. فرض بر این است که فرهنگ فرانسه، فرانکرا بدنبال می آورد. به این ترتیب که "صادرات افراد و عقاید، به پیشبرد صادرات سرمایه و کالا کمک می کند". (۱۶) عملی شدن مکانیسم فوق با درجه تأثیر همفکری، مشابهت و تسهیل زبانی طرفین مرتبط است. همکاری و قرابتی که بر اثر پیوستگی فرهنگی ایجاد شده، گاهی به معاملات بازرگانی هم منتج می شود. یک فرد تحصیل کرده در فرانسه بصیرتی نسبت به تولیدات فرانسه و پیشرفت آن کشور دارا می باشد. بالاخره توانائی بر انجام مذاکرات، بستگی به دانستن زبان جهت برقراری ارتباط با طرف مقابل دارد. برنامه فرهنگی فرانسه بر روی این نظرات تأکید می کند که "فرهنگ ما اغلب صادرات مان را افزایش می دهد. هر جا زبان فرانسه صحبت می شود، کالاهای فرانسه نیز خریده می شود (والونی بلژیک، قسمت فرانسه زبان سوئیس). (۱۷) به این دلایل، اتخاذ مجدد سیاست فرانسه برای تربیت طبقه برگزیده و تکنسین ها بسیار حائز اهمیت است چنانکه: "تعداد قراردادهائی که در آینده با کشورهای خارجی منعقد خواهیم کرد، مستقیماً بستگی به تعدادی از متخصصین فنی دارد که امروز در مدارس مان آموزش می دهیم". (۱۸)

۳- روابط فرهنگی یک عنصر متداوم در روابط دیپلماتیک فرانسه است. این رکن، شدت برخوردها و منازعات سیاسی را تعدیل و تخفیف داده و سپس بعنوان پایه ای برای حصول مجدد روابط دوستانه بین دو کشور بکار می رود. بارزترین نمونه تسکین اختلافات سیاسی بوسیله قرابت فرهنگی، در زمان معاصر در روابط فرانسه با اسرائیل دیده می شود. بهنگام بحران سوئز در سال ۱۹۵۶ بوضوح معلوم گردید که: "سودمندی سیاسی ناشی از حضور فرهنگی ما غیر قابل بحث است. این امر تا حد زیادی موجب شد که ما علی رغم بحران سوئز همه موقعیت های خود مان را در لبنان حفظ کردیم...". (۱۹) روابط فرهنگی نزدیک فرانسه با اعراب از زمان تاپلئون و شامپولین، بهبود روابط فرانسه و اعراب را پس از جنگ ژوئن سال ۱۹۶۷ تسهیل کرد، زیرا تداوم حضور فرهنگی همواره شرط لازمی برای ایجاد نرمش سیاسی بوده است.

۴- پایه‌گذاری فرهنگ فرانسه در سرزمین‌های ماوراء بحار، پایگاهی است برای حضور فرانسه در سیاست جهان. حضور فرهنگی فرانسه در صحنه بین‌المللی در زمانی که قراردادهای دوجانبه روسیه و آمریکا مشغله ذهنی بزرگی برای این کشور فراهم می‌آورد، جنبه مفیدی از سیاست خارجی فرانسه است.

بهنگام تهاجم آمریکا به کامبوج در سال ۱۹۷۰، دولت فرانسه با استفاده از روابط فرهنگی خود با کامبوج، برای دنبال کردن جریان حوادث و هرگونه راه حل نهایی به حضور فرهنگی خویش در این کشور متوسل شد:

"فرانسه به آنچه در سرزمین‌های لائوس و کامبوج بطور همزمان بوقوع می‌پیوندد، دل‌بستگی دارد. زیرا این کشورها سرزمین‌هایی هستند که بعنوان جزیره‌ای از حضور فرهنگی فرانسه در این منطقه از جهان تلقی می‌شوند." (۲۰)

براین‌مبدا دولت فرانسه پیشنهادی برای (مذاکرات جهانی) جهت بیطرف‌سازی هندوچین ارائه کرد. (۲۱) در این مورد اهمیت فرانسه، از ادعای دوگل در زمان جنگ مبنی بر قبول این کشور بعنوان یک متفق مساوی از معنی کمتری برخوردار نبود.

۵- هدف‌نهایی سیاست فرهنگی فرانسه تشویق "پیشرفت متعادل" در دولت‌های فرانسه‌زبان است که مراحل صنعتی و شهرنشینی سریعی را طی می‌کنند، زیرا سرعت دگرگونی‌های معاصر، ممکن است موجب آشفتگی و ناپایداری آنها گردد. فرانسه بخاطر توجه به ملل بومی و تصمیم به جلوگیری از بوجود آمدن یک وضع قابل انفجار که ممکن است منجر به انقلاب یا مداخله رقابت‌گرانه قدرتهای بزرگ شود، علاقمند به مساعدت این ملل در تحول منظم‌شان بسوی مدرنیته شدن بوده‌است. ارزش فرهنگی و اجتماعی فرانسه، از موازنه و تعادلی که در سازمان اجتماعی و مفهوم توسعه اقتصادی این کشور وجود دارد بوضوح دیده می‌شود، بطوریکه نوسازی در امور فرهنگی همواره با طرز تفکر فرانسوی عجین بوده و به اهداف انسان دوستانه و حفظ نفوذ این کشور کمک می‌کند.

بخش سوم: خصوصیات

خصوصیات برنامه‌های ملی در امور فرهنگی هر کشور، وابسته به اصول مختلفه‌ای می‌باشد. ابعاد اصلی سیاست فرهنگی فرانسه عبارتند از:

الف - رابطه بین امور فرهنگی و تبلیغات [پروپاگاندا] یا اطلاعات

ب - وابستگی امور فرهنگی با فعالیت‌های مربوط به کمک‌های فنی

ج - گرایش به روابط چند جانبه و دوجانبه

د - پیوند سیاست فرهنگی فرانسه با گروه برگزیده^۶ هر کشور

و - محتوای سیاست فرهنگی فرانسه

ه - وسایل مورد استفاده برای کسب اهداف سیاسی

الف - فرهنگ یا تبلیغات؟

نوع رابطه^۶ ذهنی و عملی امور فرهنگی با تبلیغات، سیاست فرهنگی فرانسه را از سیاست فرهنگی آمریکا متمایز می‌سازد. تفاوت بین امور فرهنگی و تبلیغات، یکی بجهت استفاده از وسایل و دیگری بخاطر ماهیت خود آنهاست. تبلیغات معمولاً "وسایل ارتباط جمعی سریع و تکنیک‌های تشویق‌آمیز را بکار می‌گیرد. تبلیغات از اصل یا موضوعی ریشه گرفته و به سیاست تشریح مسائل توجه می‌کند و بطور کلی روش آن در جهت تحریک و ترغیب توده^۶ مردم است. اما امور فرهنگی از وسایلی استفاده می‌کند که در برخورد های اول اثر تدریجی و آرام دارد، هیچگونه جهت خاصی را دنبال نکرده و تنها با وسایل روشنفکرانه و هنری که به طبقه^۶ برگزیده^۶ مردم محدود است، سروکار دارد.

تکیه بر کسب اطلاعات زیاد، امور فرهنگی آمریکا را تحت الشعاع خود قرار داده است. جرج شوستر George Shuster از این دید آمریکا "که مقصود واقعی از فعالیت‌های فرهنگی باید تبلیغ برای فلسفه^۶ دموکراتیک ایالات متحده باشد" اظهار تأسف کرده است.^{۲۲} قسمت عمده^۶ طرح‌های آمریکا در ماوراء^۶ بحار صرف متقاعد کردن ملل خارجی به جنبه‌های خاص صحیح بودن سیاست خارجی آمریکا و آشنا کردن آنها به "نوع زندگی آمریکائی" است. فعالیت‌های امور فرهنگی و همچنین اطلاعاتی ماوراء^۶ بحار آمریکا از لحاظ سازمانی در چهارچوب سرویس اطلاعاتی ایالات متحده (U.S.I.S.) ادغام شده است.^{۲۳} نتیجه^۶ این ادغام تنزل درجه^۶ امور فرهنگی آمریکا بوده است.^{۲۴}

فرانسه و انگلیس به امور فرهنگی خود شکل سازمانی خود مختاری می‌دهند که نشان^۶ دهنده^۶ فلسفه^۶ متفاوت و موثرتری است. شورای فرهنگی بریتانیا یک سازمان مشورتی مستقل است. فعالیت فرهنگی فرانسه با فعالیت فرهنگی کشورهای دیگر تفاوت بنیادی ندارد، بلکه بر روی تمایز وجدانی امور فرهنگی از تبلیغات اصرار می‌ورزد. Jean Basdevant

رئیس اداره کل امور فرهنگی در وزارت خارجه فرانسه خط مشی فرانسه را در امور فرهنگی چنین بیان می کند:

"مادر حقیقت، بر خلاف ایالات متحده عقیده داریم که لازم است یک مرزخلل - ناپذیر بین فعالیت فرهنگی و فعالیت های اطلاعاتی یا تبلیغات سیاسی وجود داشته باشد." ۲۵
این نظر فرانسه درباره روابط فرهنگی [جدائی سازمانهای فرهنگی و اطلاعاتی از یکدیگر] رسماً اعلام شده است. در نیویورک کنسولگری فرانسه [که به امور فرهنگی می پردازد] و اداره اطلاعات و مطبوعات فرانسه با متمرکز شدن در ساختمان های جداگانه این جدایی سمبلیک را نشان می دهند. اگر چه در پاریس هر دو سازمان در وزارت خارجه واقع شده اند، لکن ادارت شان در دو ضلع متقابل ساختمان قرار گرفته است.

این نقطه نظرهای متفاوت، از اصول برنامه های ملی سیاست فرهنگی و از خصوصیات ملی فرانسه سرچشمه می گیرد. برنامه سیاست فرهنگی آمریکا در اثر برخورد های ایده نولزیکی شدید دوران نازی و سیستم دو قطبی بعد از جنگ بوجود آمد. بعلاوه شیوه برنامه اطلاعاتی آمریکا بر اساس سنت های انجیلی پروتستان و اینکه برداشت آمریکا از وقایع جهانی، عادلانه ترین برداشت هاست استوار گردیده. فقر نسبی آمریکا از داشتن یک فرهنگ والا موجب می شود که تبلیغ برای سیستم و پیشرفت نوع آمریکایی بر روابط فرهنگی این کشور مسلط گردد. در سازمان اطلاعاتی ایالات متحده (U.S.I.A.) و صدای آمریکا (V.O.A.)، افراد وابسته به تلویزیون بارزگانی آمریکا می خواهند خط مشی ها و مهارت های بدست آمده را برای نمایش نقش آمریکا بکار گیرند.

انگلستان، بعنوان یک عامل کاهش یافته در دنیای سیاست، سنگینی کمتری را برای یکسان نمودن فعالیت های خود با اتحاد شوروی بر دوش دارد*. بعلاوه، ترکیب کنونی جامعه انگلستان، گرایش به روابط بین الملل را از دید مانوی کاهش داده است. مدت ها قبل از ظهور ایده نولزی در سیاست جهانی، فرانسه سیاست توسعه فرهنگی خود را دنبال نموده و تا آنجائی که می تواند از این تقدم، برای حفظ خود مختاری سازمانی و تعامیت عملی آن بهره می گیرد. سنت های متعددی متضمن پذیرش ارزش روابط فرهنگی، برای فرانسه گردیده است. فرانسه نه تنها بعنوان حریف عمده اتحاد شوروی تلقی نگردیده، بلکه از

* چون آمریکا این را بعهدہ گرفته است.

همکاری با دول کمونیست، استفاده سیاسی برده است. زیرا، نه تمایل ملی و نه موضع بین‌المللی آن کشور، هیچ کدام مجاز نمی‌دانند که پروپاگاندا یا تبلیغات جانشین روابط فرهنگی گردد.

ب - کمک‌های فرهنگی و فنی

ایالات متحده آمریکا و فرانسه در مورد رابطه^{۲۶} صحیح بین روابط فرهنگی و کمک‌های فنی، نقطه‌نظرهای متفاوتی دارند. آمریکا از لحاظ سازمانی بین‌هئیت عمران بین‌المللی آمریکا (A.I.D.)، اداره اطلاعات ایالات متحده (U.S.I.A.) از یک سو و دفتر امور فرهنگی وزارت خارجه از سوی دیگر تفکیک قائل شده است. در سال ۱۹۵۶ با ایجاد اداره عمومی امور فرهنگی و فنی* در وزارت خارجه فرانسه، امور فرهنگی و کمک‌های فنی به یکدیگر وابسته گردیدند.

بدون شک، دلایل کمی بر ارتباط نزدیک بین پروپاگاندا و کمک فنی وجود دارد و می‌دانیم که پروپاگاندا عنصر عمده سیاست فرهنگی آمریکا است. عدم وجود همکاری و تشریک‌مساعی بین امور فرهنگی و کمک فنی در آمریکا، به سهولت مبین اهمیت کمتری است که به روابط فرهنگی به عنوان عنصری از سیاست خارجی داده می‌شود. در صورتیکه در فرانسه بین این دو فعالیت همبستگی نظری و سازمانی وجود دارد. در سال ۱۹۶۵، ژان بادوان Jean Basdevant خط‌مشی فرانسه را در این مورد چنین بیان کرد که:

"از نظر ما، روابط فرهنگی و کمک‌های فنی بطور نزدیک، بی‌یکدیگر وابسته‌اند و فقط هنگامی می‌توانند سودمند باشند که از حمایت یکدیگر برخوردار گردند." ۲۶

این نقطه‌نظرهای متفاوت، نشان‌دهنده اختلافی است که در تاریخ و جامعه فرانسه و آمریکا دیده می‌شود. ارزش‌های فرهنگی آمریکا و انگلیس تأکید بیشتری بر نتایج محسوس و فوری دارند تا نتایج بلند مدت و غیر محسوس. تمایل و گرایش به کمک فنی از چنین خط‌مشی سرچشمه گرفته و آمریکایی‌ها در این زمینه از دیگران پیشی گرفته‌اند. علاوه بر این آمریکائیان، تجربه ملی خود را در این زمینه بعنوان مدلی برای سایر ملل ارائه می‌کنند. در محافل رسمی آمریکا این عقیده وجود دارد که با توسعه اقتصادی سریع و هم‌چنین وجود یک طبقه متوسط گسترده، اطمینانی برای ثبات یک جامعه بوجود آمده است. نتیجه عملی

* Direction générale des Affaires culturelles et techniques

این نظر، تأکید بر کمک فنی بدون وابستگی با پیشرفت فرهنگی جامعه است از نظر تاریخی، هیچگاه توسعه صنعتی و فنی در فرانسه ارزش چندانی مهمی نداشته است، زیرا نظام ارزشها و جامعه فئودال و روشنفکرانمایی که قبلاً در این کشور وجود داشت، از اهمیت صنعتی شدن این کشور می‌کاست. سنت توسعه و گسترش فرهنگ، موجب تضمین این عقیده منطقی فرانسه شد که در یک برنامه توسعه ملی، برای فرهنگ نقش یکسانی را همراه با سایر نقشها قائل شوند. این تفاوت بین خط مشی‌های آمریکا و فرانسه، مفاهیمی سیاسی را در بردارند. زیرا که یک برنامه کمک فنی یا روابط فرهنگی موفق باید با منافع و نیازهای دول دریافت‌کننده کمک منطبق باشد.

ج - همکاریهای دوجانبه و چند جانبه

قراردادهای متقابل دوجانبه، وجه مشخصه روابط فرهنگی فرانسه است، اگرچه در این زمینه رابطه چند جانبه نسبت به سایر بخش‌های روابط خارجی قابل پذیرش‌تری باشد. در سال ۱۹۶۵، ژان بادوان Jean Basdevant موقعت فرهنگی فرانسه را چنین تشریح کرد:

"قسمت عمده برنامه فرهنگی در چهارچوب روابط در جنبه اجرا شده است... از نظر فرانسه سازمان‌هایی مانند یونسکو و شورای اروپا در سطوح مختلفی قرار دارند، اما شورای اروپا باید مکمل یونسکو باشد نه چنانکه کوشش می‌شود، جانشین آن". ۲۷

دلیل روشن‌گرایش به سیستم‌های دوجانبه در روابط فرهنگی، میل به کنترل بودجه‌ها و طرح‌های مورد نظر است. چنانکه فرانسه در مورد رابطه خود با کشورهای فرانسه‌زبان آفریقا، ترجیح می‌دهد که از مذاکره با یک بلوک متشکل مخالف خود اجتناب نماید.

معدالک، روابط فرهنگی نسبت به سایر جنبه‌های روابط خارجی، قابلیت بیشتری برای تبعیت از سیستم چند جانبه دارد. بطوریکه فرانسه در حال حاضر فعالانه در سازمان‌های فرهنگی منطقه‌ای و جهانی شرکت می‌نماید. روابط فرهنگی فرانسه نفوذ گذار و مؤثر است. تحسین فرهنگ فرانسه و یادگیری زبان آن، برای فرانسه مزایایی دائمی هستند که می‌توان آنها را از طریق سیستم‌های دوجانبه و چند جانبه دنبال نمود. از طریق کمک فنی نفوذ ناپایداری بر کنترل بودجه و تخصص در کشورهای گیرنده کمک بدست می‌آید و چنین کمکی چنانچه از طریق همکاریهای چند جانبه ارائه شود، اثر باز هم کمتری دارد. ولی می‌توان گفت سازمانهای چند جانبه بعنوان طرقی مکمل در توسعه فرهنگی فرانسه عمل می‌کنند. ۲۸

د - طبقه برگزیده یا توده‌ها؟

فرانسه در برنامه‌های توسعه فرهنگی خود گرایش به طبقه برگزیده هر کشور دارد. دومین برنامه پنجساله توسعه فرهنگی فرانسه هدف خود را چنین اعلام کرده است: "متشکل کردن برگزیدگان خارجی بوسیله روشهای آموزشی ۰۰۰ و زبان فرانسه".^{۲۹} فقط در سالهای اخیر امتیازاتی به توده‌ها داده شده که آن هم معلول پیشرفتهای اجتماعی در کشورهای خارجی است.^{۳۰} برخلاف فرانسه، فعالیت فرهنگی و همچنین تبلیغاتی آمریکا از همان اوان کار به عموم مردم توجه داشته است.^{۳۱}

هدف اجتماعی یک برنامه ملی روابط فرهنگی یا اطلاعاتی، به ارزشهای هر اجتماع و رسومی که بر هر جامعه حاکم است، بستگی دارد. در سرشت آمریکائیان، نفوذ توده مردم بر تصمیمات سیاسی معتبر شناخته شده، در صورتی که طرز فکر فرانسوی، ناتوانی توده و کنترل طبقه برگزیده را [بر سیستم‌های حکومتی] قبول می‌کند. این امر بیش از آنکه مربوط به تنگناهای ذاتی سیستم سیاسی فرانسه باشد، مربوط به سیاق تاریخی این کشور است که تصور عموم را شکل می‌دهد. در فرانسه عدم پذیرش مشروعیت حکومت، موجب قبول این عقیده گردیده که سیاست همواره بادسیس و تبانی همراه است.^{۳۲} بنابراین، پذیرش فرانسه از نقش برگزیدگان در امور سیاسی و اجتماعی، در برنامه روابط فرهنگی این کشور نیز منعکس شده است.

و - محتوی سیاست فرهنگی فرانسه

سیاست گرایش به نخبگان در روابط فرهنگی فرانسه شامل دو زمینه می‌گردد. یکی تعلیم و تربیت بعنوان یک بنیاد فرهنگی و دیگری انتشار زبان فرانسه، و این دو زمینه تنها در دسترس بخش‌های ممتاز جامعه است.

مفهوم فرانسوی تعلیم و تربیت با دید آمریکایی آن متفاوت است. اولاً "تعلیم و تربیت بیشتر به عنوان یک "بنیاد فرهنگی" تصور می‌شود تا یک آموزش ساده. ثانیاً، تعلیم و تربیت فی حد ذاته، فقط یک ارزش تصور شده، نه یک مشارکت حرفه‌ای در پیشرفت و توسعه اقتصادی. در صورتیکه برنامه ایالات متحده در مورد سیستم تعلیم و تربیت بیشتر گرایش به آموزش حرفه‌ای و تخصصی در زمینه‌هایی دارد که برای توسعه اقتصادی لازم است.^{۳۳} این گونه‌گونی، زمینه‌های متفاوت برنامه‌های تعلیم و تربیت فرانسه و آمریکا هستند. در فرانسه اغلب ارتباط کمی بین آموزشی که در دانشگاه داده می‌شود و امکانات استخدامی

پس از فارغ التحصیل شدن وجود دارد. همین طور، سیستم تعلیم و تربیت فرانسه، زمینه‌های متفاوتی داشته و توجهش بسوی گروه نخبگان است. برنامه‌های آموزشی دبیرستانی از یکسو و سیستم آموزش فنی از سوی دیگر، بطور بنیادی از یکدیگر جدا بوده و پیرسشیزهای متفاوتی دارند. در ایالات متحده نفوذ متقابل جامعه آمریکا و حوزه‌های علمی در یکدیگر، محتوی و خط مشی تعلیمات عالی، این کشور را تعیین می‌کنند. در آنجا سیستم راه یافتن به آموزش دانشگاهی دموکراتیک تر بوده و تحصیلات دانشگاهی خود شام حرفه‌های نظری و عملی است. آموزش دروس حرفه‌ای در ایالات متحده معمول بوده و به تعدادی از رشته‌های مختلف حرفه‌ای درجات عالی داده می‌شود.

سیستم تعلیم و تربیت فرانسه، به آموزش و پژوهش‌ها و فنونی که در جهت توسعه فرهنگی بکار می‌روند، اهمیت مضاعفی داده است. در اصل، سیستم آموزشی فرانسه بعنوان دستگامی فراگیرنده، همه مردم در نظر گرفته شده بود. سیستم متمرکزی که بطور ناطع قالب‌های خشک را برای ایجاد وحدت ملی و آموزش اتباع امپراتوری بکار می‌برد.^{۳۴} فرانسه در روابط فرهنگی خود به فنون آموزشی نیز تأکید می‌کند.^{۳۵} زیرا فرض بر این است که افرادی که با الگوهای یکسانی اندیشه می‌کنند، بهمان طریق نیز رفتار می‌کنند.

دومین جنبه سیاست فرهنگی فرانسه، گسترش و انتشار زبان است. در درمین برنامه پنجساله آمده است که: "توسعه زبان فرانسه باید قسمت عمده تمام فعالیت‌های فرهنگی ما باشد".^{۳۶} این تأکید بر زبان فرانسه، بخاطر سابقه استفاده طیلانی از آن زبان در صحنه بین‌المللی، اثرات سیاسی زبان مزبور و مسأله هویت ملی فرانسه می‌باشد. با آنکه آمریکائی‌ها و انگلیسی‌ها از نتایج مراوده زبان‌های مختلف آگاهی دارند، در مقایسه با فرانسوی‌ها ارتباط کمتری میان زبان و پرستیژ و هویت ملی خویش قائلند.

استعمال زبان فرانسه در سطح بین‌المللی به عنوان یک معرف کلی، برای ارزیابی نفوذ سیاسی فرانسه بکار می‌رود. این نفوذ با مراجعه به قراردادها، سازمان‌های بین‌المللی و سازمانهای غیردولتی (N.G.O.'S) [که از زبان فرانسه استفاده می‌کنند] قابل سنجش است. گسترش زبان یکی از جنبه‌های معدود روابط فرهنگی فرانسه است که شاخص‌های ذهنی را بهم می‌آمیزد و این شاخص‌ها از جانب مقامات رسمی فرانسه بعنوان معیار موثق بکار می‌روند. بنابراین، علاوه بر ارتباط این زبان با اهداف سیاست ملی فرانسه، استفاده از آن نیز وسیله‌ای مقتضی برای تشریفات اداری می‌باشد.

استفاده^{۳۶} دیپلماتیک از زبان فرانسه در مقیاس جهانی، بخاطر مقتضیات منحصر بفرد این زبان است. تفوق زبان لاتین بعنوان یک زبان بین المللی در گذشته، مقبولیت عام لزوم ایجاد زبان دومی را فراهم آورد. با پس روی زبان لاتین، زبان فرانسه، تنها زبان اروپای قاره ای بود که از یک طرف و نحو با قاعده برخوردار و به لهجه های غیر قابل فهم تقسیم نشده بود. عظمت فرانسه و درخشش فرهنگی آن بهنگام حکومت لوئی چهاردهم طبیعتاً منجر به استفاده از زبان فرانسه شد. اختصاص مشاغل دیپلماتیک به اشراف، شناخت گسترده^{۳۷} زبان فرانسه را در میان سیاستمداران موجب شد را ایجاد رابطه خانوادگی بین دودمان های سلطنتی اروپا پذیرش یک زبان مشترک را تسهیل نمود. مهاجرت پروتستانها از فرانسه مناطقی را با فرهنگ و زبان فرانسه [در خارج از کشور] بوجود آورد و به احیاء یک سیاست آگاهانه جهت توسعه فرهنگی کمک کرد. ۳۷

این عظمت فرهنگی بجهت تغییراتی که در سیاست جهان و ماهیت حکومت فرانسه پدید آمد دچار زیان گردید. تقسیم جامعه اروپا به کشورهای مختلف و دارنده زبان ملی، بر علیه زبان آمیخته اروپا (lingua franca) به مبارزه برخاست. تغییر ماهیت حکومت بسوی دموکراسی، اختصاص یافتن مشاغل دیپلماتیک را به اشراف برهم زد. با تغییر چهارچوب قدرت جهانی، مراکز تصمیم گیری به مناطق دیگری منتقل گردید. انشاء قرارداد ورسای به دو زبان فرانسه و انگلیسی، پیشدرآمدی بر پذیرش زبان فرانسه بعنوان زبان کارسازمان ملل متحد بود که فقط با اکثریت یک رأی در سال ۱۹۴۶ بدست آمد. ۳۸

علاوه بر جنبه های سمبولیک پرستیژ فرانسه، این کشور اطمینان دارد که آموزش زبان بازتاب دیپلماتیک داشته و بر وحدت ملی او اثر می گذارد چنانکه: "وقتی دو نفر که با یکدیگر سخن می گویند، اگر به یک زبان مطالب خود را اظهار بنارند، می کوشند که افکارشان را به یک شکل درآورند. بنابراین، دستیابی به توافق را از طریق اندیشه های خود تسهیل می سازند" ۳۹ ژاک دو بوربن بوسه Jacques de Bourbon-Busset می نویسد:

"موجودیت یک ملت قبل از همه و بالاتر از هر چیز یک زبان است. بنابراین، نخستین وظیفه ما... دفاع از زبان فرانسه است. فرهنگ فرانسه باقی نخواهد ماند... اگر زبان فرانسه صحبت و خوانده نشود" ۴۰.

زبان فرانسه با تمامیت ملی وابستگی نزدیک دارد. هجوم شدید اصطلاحات زبان انگلیسی به زبان فرانسه پس از جنگ دوم، با توجه به تبعیت این زبان از لغات سیاسی و

اقتصادی مقارن با آن، زیان آوری این امر را ثابت نمود.

هـ- طرق اعمال سیاست فرهنگی فرانسه

حکومت فرانسه سیاست‌هایی را مطابق با محتوای برنامه^{۴۲} گسترش فرهنگی‌اش برگزیده است. آموزش و نشر زبان به مجموعه‌ای از وسایل آموزشی و افراد نیازمند است. این وسایل آموزشی شامل انستیتوها، مراکز فرهنگی، کالج‌ها و دبیرستانهاست. در سال ۱۹۵۹، پنجاه و نه انستیتو و صد و شصت و دو مرکز فرهنگی فرانسه در کشورهای مختلف وجود داشت و ۶۸۲ هزار دانش‌آموز در سرزمین‌های ماوراء بحار در مدارس فرانسوی ثبت‌نام کرده بودند.^{۴۳} اتحادیه فرانسه زبانان (Alliance française) که در سال ۱۸۸۳ بنیان گرفت، امروزه مراکز فرهنگی متعددی را دارا می‌باشد و وزارت امور خارجه به آن مراکز کمک هزینه می‌دهد، بطوریکه در سال ۱۹۵۷ دولت فرانسه بیست درصد از بودجه^{۴۴} این سازمان را پرداخت کرد.

کارکنان موردنیاز این دستگاهها از گروه معلمین در سیستم آموزشی فرانسه فراهم می‌آیند. معلمین اضافی به موءسه توسعه^{۴۵} فرهنگی در ماوراء بحار بکارگمارده می‌شوند. بخاطر مدت تصدی تدریس این معلمین حایز شرایط در خارج، محدودیت‌هایی در مدارس خود فرانسه پدید می‌آید. معلمین مدارس فرانسه در خارج، از تعداد آمریکائیان که مایل به وقف خود در حرفه^{۴۶} مزبور می‌باشند، بیشتر است بطوریکه تا سال ۱۹۶۸، تعداد معلمین آموزشی فرانسه در خارج به ۳۳۸۱۴ نفر رسیده بود.^{۴۷}

فعالیت میسیون‌های مذهبی برای توسعه^{۴۸} فرهنگی فرانسه سودمند است. از طرف دیگر، دسته‌های مذهبی در مأموریت‌های آموزشی خود بجهت اتکاء^{۴۹} به کمک‌های مالی دولت از منافع مادی نیز برخوردارند. علی‌رغم جدایی رسمی کلیسا و دولت از یکدیگر در سال ۱۹۰۵، وزارت امور خارجه فرانسه به دستجات مذهبی ای که مدارس فرانسه در خارج از کشور را نگهداری می‌کنند، کمک مالی می‌کند.^{۵۰} این فعالیت‌های مذهبی در درجه اول در خاورمیانه متمرکز است.^{۵۱} سازمان‌های اصلی عبارتند از، کمیته کاتولیک دوستداران فرانسه در خارج، میسیون غیر مذهبی فرانسه، بنیاد پروتستان لبنان و اتحادیه جهانی یهود.^{۵۲*}

*Comité catholique des Amitiés françaises à l'étranger
Mission laïque française
Oeuvres protestants du Liban
Alliance israélite universelle

سیستم "خدمات ملی" که در اوایل دهه ۱۹۶۰ بوجود آمد جنبه بی نظیری از کوشش فرانسه در تجهیز کارمندان کافی برای اجرای یک برنامه گسترده ملی است. سربازان وظیفه حائز شرایط بجای خدمت نظامی عادی بعنوان معلم در خارج از کشور خدمت می کنند و تعداد آنها تا سال ۱۹۶۸ به ۶۱۰۰ نفر رسیده بود.

دولت فرانسه برای تحصیل در این کشور و بجهت تکمیل کادر افراد فرانسوی ماوراء بحار، بورسهای در اختیار اشخاص قرار می دهد. از سال ۱۹۵۸ تا کنون تعداد این بورسها به نحو چشمگیری افزایش یافته است. بطوریکه از ۶۰۰ بورس در سال ۱۹۴۱ به ۲۹۲۴ بورس در سال ۱۹۵۹ و به ۱۵۷۳۱ بورس در ۶۸-۱۹۶۷، افزایش یافته است. ۴۸ فرانسه بدین دلیل که به تماس های اولیه و تأثیر سیستم های آموزشی اعتقاد دارد، اهمیت زیادی برای کارکنان و وسایل آموزشی خویش قائل است. این کشور برنامه گسترده ای برای توزیع کتب، مجلات ادواری، بولتن و فیلم داشته و وزارت خارجه اش از طریق بنیاد فرهنگ - کتاب (Fonds-Culture-Livre) به صادرات کتب فرانسوی کمک مالی می نماید، اگر چه این کمک در سطحی پائین تر از انگلیس و ایالات متحده است. ۴۹ ناشران فرانسوی بجهت قیمت بالای یک واحد کتاب و تعداد محدود نسخ در هر چاپ، که در بازار محدودی جذب می شود اغلب متضرر شده اند. بجهت رفع این نقیصه، اکنون وزارت امور خارجه به خرید کتب برای کتابخانه ها و مراکز علمی مبادرت ورزیده و آنها را به دانشگاه های خارجی هدیه می کند. ۵۰ شورای پست فرانسه نیز کمک هایی بنام اعتبار کتاب (crédits-livres) برای انتشار کتب غیر تجاری اختصاص داده است. در سال ۱۹۶۸ وزارت خارجه فرانسه ۵۰۰ هزار جلد کتاب به ارزش پانزده میلیون فرانک خرید و توزیع کرد، در حالیکه ایالات متحده معادل بیست میلیون فرانک را بدین منظور بمصرف رساند. ۵۱ علاوه بر این، وزارت خارجه فرانسه مجلات خبری و ادواری را رأسا چاپ و توزیع می نماید.

فرانسه بخاطر شنوندگان روز افزون خود و هم چنین رقابت با آمریکا و روسیه به گسترش وسایل سمعی و بصری خود اصرار می ورزد. مثلاً "فیلم ها وسیله عامه پسند و مؤثری برای حضور فرهنگی فرانسه بوده اند و اخیراً" به استفاده از روش های سمعی و بصری تلویزیونی و آموزش تلویزیونی در کلاس درس نیز توجه شده است. ۵۲ تسلط ارتباطات ماهواره ای آمریکا برای فرانسه موجب نگرانی شده است، بطوریکه برنامه فرهنگی فرانسه در سال

۱۹۵۸ به لزوم افزایش و توسعه روش‌های مدرن جهت رقابت با سایر دول تکیه کرده است. ۵۲
بخش چهارم - تغییرات

پیشامدهایی که از جنگ جهانی دوم تا کنون در سیاست جهانی بوقوع پیوسته، حواسته‌های خارجی را بر روابط فرهنگی فرانسه تحمیل کرده است. از طریق سیاست تطبیق با فشارهای محیط، فرانسه مجبور شد که در اصول تصمیم‌گیری خود جهت منابع و تعهدات آن کشور و در روابط نفوذی‌اش تجدید نظر بعمل آورد. بطور کلی تغییرات عمده در سیاست فرهنگی فرانسه بقرار زیر است.

۱- منابعی که بر روابط فرهنگی تخصیص می‌یابند.

۲- توجه به قسمت‌های علمی فرهنگ فرانسه

۳- سازش با احساسات ملی

۴- تمرکز جغرافیائی

۵- توجه به طبقات اجتماعی جدید

غیبت ممتد دیپلماسی فرانسه در خلال جنگ دوم جهانی، حضور فرهنگی این کشور را در جهان کاهش داد. در خلال این دوره، قدرتهای بزرگ با وسایل افزون‌تری وارد صحنه رقابت شدند. ۴۵ پس از جنگ دوم که جهان به دو قطب مخالف و هم‌چنین جنگ لفظی - ایده‌ئولوژیکی تقسیم شده، کاهش خطر جنگ بعنوان یک امر دیپلماتیک واقعی، توجه را به دیگر وسایل اعمال سیاست خارجی از قبیل براندازی [حکومت‌ها]، تسلط اقتصادی، انتقال ملزومات نظامی و توسعه فرهنگی جلب کرد. اگر چه این پیشامدها، اقدامات گسترده‌ای را از جانب فرانسه لازم گردانید، ولی عدم ثبات مالی و حکومتی این کشور مانع پیشرفت قابل توجهی در زمینه این اقدامات گردید. فقط در زمان دوگل و پس از سال ۱۹۵۸ بود که سیاست توسعه فرهنگی مجدداً تقویت شد.

رقابت آمریکا و روسیه شوروی، در جهت کمک فنی و توسعه اقتصادی متمرکز شده بود. ۵۵ این امر بررسی اقداماتی را در خارج از روابط فرهنگی سنتی برای فرانسه ایجاد کرد. براساس این ارزیابی، اداره روابط فرهنگی مجدداً در سال ۱۹۵۶، بخش فراموش شده کمک فنی را در برنامه خود ادغام کرد.

یک جنبه از انقلاب علمی ایکه زبان و فرهنگ فرانسه را مورد تهدید قرار داد، توسعه و گسترش سریع وسایل ارتباطی بود که مبادلات بین‌المللی را تسریع کرده و فشارهایی را

برای لزوم یک زبان دوم جهانی ایجاد کرد. امریکا با انحصار وسایل ارتباطی در دنیا مزیت مهمی را برای انگلیس موجب شد. یک مأمور رسمی فرانسوی اهمیت ارتباط ماهواره‌ای را برای دول اروپائی و نیاز به "مبازره علیه نفوق" آمریکا و هم چنین زبان انگلیسی را تأکید نموده است. بالاخره رقابت برای دستیابی به تکنولوژی جدید، تمرکز و تجهیز منابع فرانسه را ایجاب نمود.

جنبش‌های ناسیونالیستی و استعمار زدائی، راه را برای ورود سایر قدرتها در مستعمرات امپراتوری فرانسه هموار کرد. اما استحکام نفوذ فرانسه در آفریقا و آسیا اولویتی را برای سیاست فرهنگی اخیر فرانسه فراهم آورده است. جهت حفظ این نفوذ، مخارج روزافزون و همراهی با احساسات ملی کشورها مورد لزوم بوده است. تعادل اجتماعی ناپایدار این دول جدید، تطبیق آموزش با محیط* را [در این مناطق] از این جهت که مبادا این آموزش از لحاظ اجتماعی باعث انهدام شود، ضروری می‌نماید. کوشش برای آفریقائی کردن تعلیم و تربیت و گسترش روستائی کردن آموزش بمنظور اینست که آشفته‌گی‌های ناشی از توسعه را تشدید نکند. ۵۷

این خواسته‌های جدید، لزوم تحقیق و توسعه^۶ برنامه‌ها و روش‌های مربوط به فن آموزش علمی را ضروری نمود. این امور تا کنون از طریق دفتر مطالعه و رابطه^۷ آموزشی فرانسه در جهان (B.E.L.)، مرکز تحقیقات و مطالعات انتشاری فرانسه (C.R.E.D.I.F.) و اتحادیه دانشگاهی توسعه و آموزش فرهنگی در آفریقا و ماداگاسکار** (A.U.D.E.C.A.M.) انجام شده، و تحقیقات مشابهی نیز از طریق سیستم چند جانبه یونسکو دنبال گردیده است. تغییر اساسی‌ایکه از برنامه^۸ نیاز به آفریقائی نمودن، تعلیم و تربیت و بهره‌گیری بهتر از متخصصین و منابع بدست آمد، تأکید جدیدی بر تشکل چهارچوبها جهت تعلیم دادن معلمین خارجی بوده تا بدنبال آن وابستگی به متخصصین فرانسوی

* adaptation de l'enseignement au milieu

** Bureau d'Etudes et de Liaison pour l'Enseignement du Français dans le Monde (B.E.L.)

Centre de Recherches et d'Etudes pour la diffusion du Français (C.R.E.D.I.F.)

Association universitaire pour le Développement de l'Enseignement de la Culture en Afrique et à Madagascar (A.U.D.E.C.A.M.)

فرانسه برای حفظ موقعیت خود در آفریقا و آسیا ارزش بسیاری قائل بوده و بخاطر نگهداشتن قلمروها و کلنی‌های سابق به این منطقه جغرافیائی گرایش پیدا کرده است. در برنامه فرهنگی فرانسه آمده است که: "در مناطق نفوذ فرانسه، جبران علائق سیاسی از دست رفته، فقط با افزایش نیرو در سطح فنی و فرهنگی بدست می‌آید". ۵۹ مقامات فرانسوی امکاناتی را برای نفوذ گسترده‌تر در آفریقا مورد توجه قرار داده‌اند. مثلاً "وظیفه گسترش حضور فرانسه در تمام کشورهای آفریقای سیاه انگلیسی زبان یکی از دائمی‌ترین نظرات ما بوده است". ۶۰ چنین گسترشی می‌تواند بوسیله قدرت موجود فرانسه روی دهد:

"اتحاد فرانسه بامکاناتی می‌دهد... بعضی قلمروها در وضعی هستند که فوراً دول همسایه را بخود جذب می‌کنند" ۶۱ این نفوذ هم‌چنین از طریق اجرای برنامه‌های چند جانبه یونسکو عملی گردیده است.

وحدت اروپا و جامعه اروپائی، به نشر یک زبان عمومی که سیاست فرهنگی فرانسه هم در آن تأثیر داشته باشد نیازمند است. تغییر جهت جغرافیائی سیاست فرهنگی فرانسه بسوی قاره اروپا، امکانات فرانسه را برای داشتن نقشی عمده در یک اروپای دارنده قدرت سوم [در جهان] نشان می‌دهد. بطوریکه برنامه فرهنگی فرانسه این اولویت را چنین بیان کرده است: "فرانسه شخصیت اصلی خود را در راه وحدت اروپا حفظ می‌کند. فرانسه‌ای که دیگر قدرت مادی مهمی را ارائه نکرده، بلکه نوعی برتری روشنفکرانه را اعمال می‌کند". ۶۲

اما اخیراً مبارزه طلبی بازار مشترک نسبت به برتری زبان فرانسه موجب نگرانی شده است.

بطور کلی گرایش جغرافیائی سیاست فرهنگی فرانسه، سیاست خارجی این کشور را دنبال می‌کند. بعنوان مثال پس از دیدار دوگل از آمریکا لاتین در سال ۱۹۶۴، هزینه فعالیت‌های فرهنگی فرانسه در عرض سه سال بعد، ۶۹ درصد افزایش یافت. ۶۳

بالاخره، دو پیشامد در ساخت داخلی کشورهای خارجی بر جهت‌گیری سیاست فرانسه تأثیر گذاشته است. اولاً "تمدن صنعتی وسیع، پایگاه طبقاتی نفوذ فرانسه را از بین برد. ثانیاً تغییرات اجتماعی، نفوذ توده‌ها را بر تصمیمات دولت و کارمندان دولت افزایش داد. تغییر در ترکیب طبقه برگزیدگان و دموکراسی بیشتر در این سرزمین‌ها فرانسه را مجبور نمود برای جانشینی برگزیدگان اسی گذشته با طبقه جدید تکنسین‌ها و مدیران که روی

توده^۶ مردم نفوذ داشتند رابطه داشته باشد .

تجدید سازمان برنامه فرهنگی در سال ۱۹۵۶ ، اهمیت زبندگان فنی جدید را آشکار کرد . در سال ۱۹۵۸ وزارت امور خارجه تعريف دكترين و روش‌های همکاری فنی را انتشار داد . " . . . این نوع همکاری بما امکان می دهد به فرهنگ و تکنولوژی فرانسه . . . و برگزیدگان جدید توجه بیشتری پیدا کنیم " .^{۶۴} دومین برنامه^۶ پنجساله^۶ روابط فرهنگی در سال ۱۹۶۴ به تربیت افراد برجسته^۶ فنی تأکید می کند : ما نباید اصول ادبی را انکار کنیم ، ولی باید بین ترتیبات علمی و ادبی به توزیع متعادلی از اعتبار و پرسنل دست یابیم " .^{۶۵} علاوه بر این ، در دومین برنامه^۶ پنجساله^۶ ، نیاز توجه به توده^۶ مردم نیز به رسمیت ساخته شده است .^{۶۶}

نتیجه

روابط فرهنگی جزء قابل ملاحظه‌ای از سیاست خارجی فرانسه است . این امر امکانات و محدودیت‌های فرانسه را در منابع و موقعیت بین‌المللی این کشور منعکس می کند . بودجه^۶ فرهنگی و بنیادهای سیاسی و اجتماعی داخلی فرانسه ، همگی در جهت انگیزه‌های توسعه^۶ فرهنگی این کشورند . ضعف مادی پس از جنگ ، وابستگی به اجزاء نظامی و اقتصادی را در سیاست خارجی فرانسه محدود کرد و از بین رفتن امپراتوری ، سیاست ظرفی را برای حفظ اتحاد سیاسی لازم گردانید . تفوق آمریکا ادعای ناسیونالیزم فرهنگی فرانسه را برانگیخت . برنامه^۶ توسعه^۶ فرهنگی فرانسه از توافق و تطبیق با خواسته‌های بین‌المللی ، داخلی و از ساخت اجتماعی ، سیاسی و فرهنگی این کشور ناشی می شود .^{۶۷}

همین طور ، خصوصیات روابط فرهنگی فرانسه منعکس کننده^۶ سیماهای خاص فرهنگ و جامعه^۶ فرانسه است . این امر از رابطه^۶ بین فرهنگ و تبلیغات [پروپاگاندا] ، رابطه^۶ بین فرهنگ و کمک فنی ، از طریق هدف اجتماعی خاص روابط فرهنگی و محتوای برنامه^۶ فرهنگی فرانسه روشن می شود .

تأثیر سیاسی روابط فرهنگی بعنوان جنبه‌ی از سیاست خارجی مبهم است . معذالک فرانسویان اظهار می دارند که استفاده‌های گوناگونی از روابط فرهنگی بعمل می آید ، که از آن جمله است : تعهد سیاسی ، معاملات بازرگانی ، انعطاف پذیری [نرمش] سیاسی ، مسئولیت جهانی و پیشرفت متعادل در کشورهای فرانسه زبان . تأثیر سیاسی روابط فرهنگی ، در خارج از کشور هر چه باشد ، مع الوصف استفاده‌های داخلی مانند رضایت گروه‌های مختلف و

ناسیونالیزم فرهنگی نیز از این امر حاصل می‌آید .
سیاست فرهنگی فرانسه خود را با دگرگونیهای معاصر هم چون رقابت روز افزون ،
تمرکز بر روی علوم و تکنولوژی ، احساسات ملی ، استعمارزدایی ، وحدت منطقه‌ای اروپا ، تغییرات
خارجی در ترکیب طبقهٔ برگزیدگان و نفوذ توده‌ها تطبیق داده است . این اصلاحات مبین
ابعاد سیاست فرهنگی اخیر فرانسه در سطح جهانی و داخلی است .

یادداشتها

- 1 - Ministère des Affaires étrangères, Second Plan Quinquennal d'Expansion culturelle du Ministère des Affaires étrangères (Pour la période du 1er janvier 1964 au 31 décembre 1968) (cited here after as Second Plan Quinquennal) Paris p.3.
 - ۲ - سیاست بزرگ دوگل طبیعتاً " مستلزم یک برنامهٔ توسعه فرهنگی است . فرهنگ و زبان فرانسه در حکم سرمایه ملی بوده و آسان‌تر قابل دفاع است تا روشهای ظالمانهٔ اقتصادی و نظامی در چهارچوب امپریالیسم . بعلاوه ، پرستیژ فرهنگی بین‌المللی ، هوشیاری و آگاهی ملی فرانسه را مجدداً " زنده کرده است .
 - 3 - Suzanne BALOUS, L'Action culturelle de la France dans le Monde, Paris, Presses universitaires de France, 1970 p. 174.
 - ۴ - روسای این قسمت از سال ۱۹۴۵ تاکنون بترتیب عبارت بودند از :
Louis Joxe, Jacques de Bourbon-Busset, Roger Seydoux,
Jean Basdevant and Pierre Laurent
 - 5 - Ministère des Affaires étrangères, Direction générale des Affaires culturelles et techniques, Rapport d'Activité des relations culturelles et de la Coopération technique, (cited hereafter Rapport d'Activité), Paris 1959, p.4
 - 6 - BALOUS, op. cit. , p. 36
 - 7 - Philip H. COOMBS, The Fourth Dimension of Foreign Relations : Educational and Cultural Affairs, New York : Harper and Row for the Council on Foreign Relations, 1964, pp. 25-6
- از لحاظ تاریخی ، ایالات متحده آخرین ملت بزرگی بود که زیر نظر دولت دست به مبادلهٔ فرهنگی زد و انگیزهٔ اصلی اش در این راه ، صرفاً " انگیزهٔ دفاعی بود " .

W. McNeil Lowry and Gertrude S. Hooker, the Role of the Arts and the Humanities in cultural Affairs and Foreign Relations, edited by Robert Blum, New Jersey, Prentice-Hall, Inc. for the American Assembly, 1963, p.44.

۸ - قسمت عمده کتابها درباره روابط فرهنگی در ایالات متحده در اوایل دهه ۶۰، یعنی دوره‌ای که بزرگترین هیجان و رقابت در این زمینه وجود داشت، نوشته شده است.

9 - Philip H. COOMBS, The Past and Future in perspective in Blum, op. cit, p. 165.

10 - Ibid., p. 144.

۱۱ - یک گزارش شورای فرهنگی بریتانیا اظهار نظر کرده است که:

"One cannot help but envy the French system under which teaching overseas is so much less of a career hazard than it has seemed in the past to teachers in Britain". Coombs, The Fourth Dimension, op. cit., pp. 83-4.

12 - George N. SHUSTER, The Nature and Development of United States Cultural Relations in Blum, op. cit., pp. 13-14.

۱۳ - معلمین فرانسوی در برنامه توسعه فرهنگی فرانسه دلچسبگی ایده‌آولوژیک و مادی دارند. از لحاظ ایده‌آولوژیک، آموزش دهندگان فرانسوی تعهد بلند مدتی نسبت به انترناسیونالیسم داشته، و از لحاظ مادی، اتحادیه معلمان فرانسه نماینده آموزگاران است که در خارج از کشور تحت سرپرستی وزارت خارجه تدریس می‌کنند. نگاه کنید به

James M. Clark Teachers and Politics in France, New-York, Syracuse University Press, 1966, pp.37-56 n.35.

همچنین باید به کوشش‌های مستقلانه بخش خصوصی فرانسه وانگیزه سودجویی در حمایت از آموزش زبان در ماوراء بحار توجه شود. صنعت کتاب فرانسه مستقیماً به انتشارات زبان فرانسه در خارج از آن کشور علاقمند بوده و به این هدف کمک می‌کند نگاه کنید Le Monde, 26 April 1974, p.11.

مؤسسات سیاسی برای روابط فرهنگی در فرانسه زیاد است.

۱۴ - من در جای دیگر استفاده سیاسی از روابط فرهنگی را در داخل و خارج از کشور پیشنهاد کرده‌ام. نگاه کنید به:

William R. PENDERGAST, "The political Uses of Cultural Relations" in Il Politico: Rivista Italiana di Scienze

Politiche, XXXVIII, n.4, december 1973, pp.682-96.

15 - Le Rayonnement Culturel et les Affaires sont complémentaires, Entreprise, N° 133, March 22, 1958, p.39.

این مقاله جدیدالانتشار و تحت‌اللفظی از یک سند رسمی وزارت امور خارجه است.

16 - Rapport d'Activité, 1957, p. 25.

17 - Ministère des Affaires étrangères, Direction des Affaires culturelles et techniques, Projet de programme d'Expansion en cinq ans, 1958-1962, Paris, p.9.

18 - Ibid., p. 3

فرانسه مشتاق بود از طریق برنامه اهداء بورس تحصیلی به عنوان (کشوری که مدیران [فنی] ارا تربیت می‌کند) شناخته شود، زیرا مدیران [فنی] طبقه برگزیدگان جدید را تشکیل می‌دهند.

Entreprise, op.cit., p.41.

19 - Ibid, p. 39

20 - Le Monde, April 3, 1970.p.2

21- ((Le gouvernement français proposait une négociation globale pour faire de l'Indochine une zone de neutralité et de paix...)). Ibid, p.1.

22 - SHUSTER, op. cit., p.12

23 - LOWRY and HOOKER, op. cit., p. 70

۲۴ - "یک برنامه اطلاعاتی وقتی که بطور دقیق و روشن با یک برنامه آموزشی و فرهنگی مرتبط باشد، آنرا پیچیده کرده و به مخاطره می‌اندازد" نگاه کنید به .

Charles FRANKEL, The Neglected Aspect of Foreign Affairs : American Educational and Cultural Policy Abroad, Washington, D.C., The Brookings Institution, 1966, p.33.

25 - L'Action culturelle de la France dans le Monde.

خطابه‌ای از ژان بادوان Jean Basdevant در کنفرانس دوستان جمهوری فرانسه .

26 - Ibid.

27 - France's Cultural Action Throughout the world, French Affairs, N° 182, Ambassade de France, August 17, 1965, p. 2.

۲۸ - در مطالعه‌ای که در دست دارم، سودمندی یونسکو را جهت روابط فرهنگی فرانسه پیشنهاد کرده‌ام .

29 - Second Plan Quinquennal, p. 6.

30 - Ibid., p. 7.

- 31 - Charles A. THOMSON and Walter H.C. LAVES, Cultural Relations and United States Foreign Policy, Bloomington, Indiana University Press, 1963, pp. 38-43.
- ۳۲ - جنین عقیده‌ی در آثار زیر :
La République des Professeurs, La République des Députés,
La République des camarades, The House without Windows.
Le citoyen contre les pouvoirs. ذکر شده و در کتاب فلسفی آلن نیز بیان گردیده است.
- 33 - FRANKEL, The Neglected Aspect, pp. 92-3 110.
- 34 - LEWIS A. COSER, Men of Ideas : A Sociologist's View, New York, The Free Press, 1965, p. 195.
- ۳۵ - Suzanne Balous اهمیت " یک چهارچوب پرورش فکری را که بطور کلی یا جزئی در زبان فرانسه و بوسیله متدهای آموزشی فرانسه ارائه شده ، تاکید می‌کند "
- 36 - Second Plan Quinquennal, p. 5.
- 37 - The Role of the French Language Today, Education in France. N° 16, January 1962, p. 27
- ۳۸ - Jean Basdevant در یک مصاحبه مطبوعاتی که در Education in France چاپ شده ، این امر را (تاریک‌ترین روز فرانسه) ذکر کرده است نگاه کنید به :
Education in France, No.18 1962, p.2.
- 39 - The role of the French language Today, op. cit., p.28.
- 40 - Les relations culturelles de la France avec l'Etranger, Annales du Centre Universitaires Méditerranéen, N° 7, 1953-54, p.225.
- 41 - Pierre de BOISDEFRE, L'Expansion culturelle de la France à l'Etranger dans l'Education antionale, No 9 February 26, 1959, pp. 23-4.
- 42 - FALOUS, op. cit., p.60.
- 43 - BOISDEFRE, op. cit., pp. 23-4
- 44 - BALOUS, op. cit. p. 173.
- 45 - Ruth Emily MCMURRAY and Muna LEE, The Cultural Approach: Another Way in International Relations, Chapel Hill, University of North Carolina Press, 1947, p.10
- دستورات مذهبی تنها عنصری از حوزه روابط فرهنگی برسمیت شناخته شده می‌باشد . معلمین ، ناشران ، هنرمندان و کتابداران طبقات دیگری هستند که به روابط

فرهنگی علاقمندند . این گروهها از لحاظ بین‌المللی در بسیج فعالیت سیاسی متفاوتند .
به صفحه چهار کتاب فوق نگاه کنید .

46 - Carl DOKA, Les relations culturelles sur le plan international, La fondation Pro Helvetia, Neuchâtel, La Baconnière, 1959, p. 31.

47 - BALOUS, op. cit., pp. 66-71

48 - Ibid., p. 105.

49 - Second Plan Quinquennal, p.22

50 - BALOUS, op., cit., p.76.

51 - Ibid., p. 77.

52 - Ibid., Chapter 4.

53 - Projet de Programme, op. cit., p.9.

54 - DOKA, op. cit., p.36.

۵۵ - شرایط بحث مبتنی است بر اینکه موفقیت یک ملت در رقابت علمی یا تکنولوژیکی،
توانایی نظام اجتماعی‌اش را متظاهر می‌سازد . نگاه کنید به :

FRANKEL, The Neglected Aspect, op. cit., p.77.

56 - BALOUS, op. cit., p. 93.

57 - Second Plan Quinquennal, p. 10; BALOUS, op. cit., p.134-8

58- ((La formation et le perfectionnement systématique des professeurs étrangers du français))

فقره مهمی در دومین برنامه پنجساله بود . نگاه کنید به :
Second Plan Quinquennal, p.6.

59 - Projet de Programme, p.2

60 - Rapport d'Activité (1959), p. 7.

61 - Entreprise, op. cit., p.41.

62 - Projet de Programme, p.2

63 - BALOUS, op. cit., p.158.

64 - Rapport d'Activité (1958), p. 15.

65 - Second Plan Quinquennal, p.6-7

66 - Ibid.